

## عنوان مقاله:

تاملی در رساله حقوق اساسی محمدعلی فروغی از منظر بحث درباره کاربردی کردن علم سیاست در ایران

## محل انتشار:

پژوهشنامه علوم سیاسی، دوره 14، شماره 3 (سال: 1398)

تعداد صفحات اصل مقاله: 40

## نویسنده:

شروین مقیمی - عضو هیات علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

## خلاصه مقاله:

ضرورت تاسیس مدرسه ی علوم سیاسی به مانند دیگر مدارس جدید در ایران، به مثابه ی ضرورتی متجددانه مطرح شد و این ضرورت متجددانه بود که همواره به ضرورت «کاربردی» بودن علم سیاست دانشگاهی موضوعیت داده است. نگاهی به فهرست نخستین برنامه های درسی مدرسه ی علوم سیاسی و بررسی آثار نخستین متجددان ایرانی، آشکار می سازد که شکست علم سیاست در بدل شدن به رشته ای «کاربردی»، در واقع با شکست پروژه ی تجدد در ایران که خصلتی از بنیاد سیاسی داشت در پیوند است. توضیح این شکست در واقع راه را برای فهم آن شکست نیز خواهد گشود. ما در این مقاله تلاش خواهیم کرد تا پس از نگاهی اجمالی به شرایط کلی تاسیس «مدرسه ی علوم سیاسی»، با تامل در رویکرد نخستین آموزگاران مدرسه ی علوم سیاسی، به ویژه رساله ی مهم محمد علی فروغی به عنوان یکی از مهمترین منابع درسی در آن مدرسه، از این موضع دفاع کنیم که منادیان تجدد سیاسی در ایران که در عین حال کم بیش از مدرسان مدرسه ی علوم سیاسی نیز بودند، علی رغم همه ی احتیاط هایی که در بیان منویات خویش به خرج می دادند، اما نهایتاً از بیان تلویحی آن اصولی امتناع نکردند که اساساً ریشه در یک تلقی لیبرال-دموکراتیک داشت. اگر نسبت میان الهیات لیبرال-دموکراتیک، علم سیاست جدید و سرشت «کاربردی» آن را مد نظر قرار دهیم، آن گاه نقش امثال محمد علی فروغی در خصوص علم سیاست جدید در ایران را می توان فراتر از دایره ی تنگ تالیف و تدریس برای مدرسه ی علوم سیاسی، به مثابه ی اقدامی استراتژیک در راستای استقرار ارزش های لیبرال دموکراتیک مورد ملاحظه قرار داد.

## کلمات کلیدی:

علم سیاست کاربردی، محمدعلی فروغی، تجدد، لیبرال دموکراسی، رساله حقوق اساسی، اندیشه دور و دراز

## لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1229231>

